

تغلیظ دیه قتل خطایی در ماه‌های حرام

بهنام کوشا^۱

چکیده

در مبحث قتل، آنچه در آن اختلافی وجود ندارد، تغلیظ دیه در قتل عمد، آن‌هم در ماه‌های حرام است؛ حال این سؤال وجود دارد که در قتل خطایی در ماه‌های حرام، بازهم دیه تغلیظ می‌شود؟ با کنکاش صورت گرفته، دو قول را می‌توان بر مسئله یافت. برخی بر این باورند که تغلیظ صورت نمی‌گیرد و عمده دلیل این قول روایاتی بوده که تغلیظ دیه را منحصر به قتل عمد در ماه‌های حرام کرده‌اند؛ اما در مقابل، قول مشهوری نیز وجود دارد که با نقد ادله قول قبل و ذکر ادله‌ای دیگر، تغلیظ دیه را برای قتل خطایی در ماه‌های حرام به اثبات می‌رساند.

واژه‌های کلیدی: تغلیظ، قتل، خطا، دیه، ماه‌های حرام.

مقدمه

مقوله قتل از همان ابتدای خلقت بشریت مطرح بوده است، به گونه‌ای که تمام اقشار مردم با آن سروکار داشته‌اند و گاهی طرف‌های مقابل برای انتقام دست به اقداماتی می‌زدند که متناسب آن جرم نبود. بنابراین بعد از قرن هجدهم با ظهور اسلام مجازات و انتقام متعادل شد و دستور اسلام همواره بر این بود که نباید کسی خون مسلمانی را ضایع کند، به همین دلیل اسلام امر کرده که اگر خونی به ناحق ریخته شود باید در برابر آن قاتل قصاص شود و یا با رضایت اولیای دم دیه پرداخت کند. البته اگر این جنایت در ماه‌های حرام رخ دهد دیه آن تغلیظ می‌شود؛ اما آنچه ما در این گفتار در پس آن هستیم این است که آیا قتل خطایی در ماه‌های حرام سبب تغلیظ دیه می‌شود یا نه؟ آیا فقط در قتل تغلیظ می‌شود یا جرح را نیز شامل می‌شود؟ در این مقاله از روش حل مسئله و رجوع به منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. بعد از مفهوم‌شناسی واژه‌ها به طرح اقوال و ادله در مسئله پرداخته شده و با نقد ادله قول غیر مشهور به ذکر قول مختار و ادله آن و سپس با نتیجه‌گیری نهایی این بحث را به سرانجام رساندیم.

با نگاه اینکه این بحث از مسائل روز کشور بوده و هست و مردم جامعه نوعاً با آن درگیر هستند و اثبات این مدعی و یا رد آن، آثار مالی و... برای اولیای دم در پی دارد و از آنجا که قانون با توجه به فقه نوشته می‌شود و از طرفی فقه ما پویا و قابل تغییر است، شایسته است تا این مبحث را در ادله فقهی دقیقاً بررسی و قول مخالفان را نقد کنیم.

با جست‌وجو در کتب و مقالات علمی دیده می‌شود که به این بحث این پرداخته شده؛ اما چون برخی محققان به نتایجی دور از انتظار و مخالف با ادله اربعه رسیده‌اند اینک بر ما است تا ادله آن‌ها را ابطال نماییم و علاوه بر آن ادعای خود را با ادله به اثبات برسانیم.

مفهوم‌شناسی

قتل: در لغت یعنی ازاله روح از بدن و در اصطلاح به عملی گویند که ادامه زندگی و حیات را از انسان سلب کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۵)

تغلیظ: در لغت به معنای تشدید و تأکید کردن آمده است و در اصطلاح فقه به معنای اضافه کردن ثلث، به دیه است و این افزایش مازاد بر دیه را تغلیظ گویند. (انیس و دیگران، ۱۳۷۸، ۶۵۹/۲)

دیه: دیه از ماده «ودی» به معنای راندن و رد کردن است؛ نظیر «وشی» بوده که واو حذف شده و عوض آن تاء آمد و «ودی» نیز به صورت «دیه» در آمده است. (الفرهیدی، ۱۴۱۴: ۹۸/۸)

اما در اصطلاح فقهی و قانونی به مالی گفته می‌شود که در صورت وقوع جنایت باید ادا شود؛ به عبارت دیگر، دیه مالی است که در شرع مقدس به صورت (مقدر و غیرمقدر) برای جنایت غیر عمد، بر نفس و اعضا و منافع، قابلیت مطالبه دارد و در صورتی که قصاص قابل اجرا نباشد و یا اولیای دم بر دیه مصالحه کنند، دیه ثابت می‌شود. (منصور، ۱۳۹۵: ۱۶۵/۱)

ماه‌های حرام: مقصود ماه‌هایی است که جنگ و قتال در آن ماه‌ها حرام است که عبارت است از: محرم، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و رجب. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۳۵۶/۹)

۱- محل بحث

آنچه مورد بحث قرار گرفته شده، این است که: فلسفه مجازات و قوانین (مانند قصاص و...) و غایت آن در اسلام، مواردی چون عدالت و تربیت مجرم، اصلاح و... است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾. (بقره، ۱۷۹) (ای خردمندان، برای شما در قصاص حیات قرار دادیم) این آیه بیانگر این است که، هرگاه در جامعه اسلامی مجازات و قصاص باشد، مردم از خوف قصاص کمتر به

جنگ و خونریزی و فساد اقدام می کنند و ثمره اش این است که جامعه با آسایش و رفاه کامل با حفظ نفوس مردم از حرمت شکنی، به وجود می آید و هدف آن حفظ جامعه اسلامی از بدی ها و زشتی ها و آلودگی ها است. (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۱/۱)

اما فلسفه و علت تغلیظ در ماه های حرام این است که، در اسلام برای دفاع و تعدیل حقوق بشر، قوانینی چون قصاص، حدود و دیات مطرح شده و به این افراط و تفریط ها در مجازات سابق، خط بطلان کشیده است.

از روایات بر می آید که خداوند برای حفظ احترام و نیز عدم هتک حرمت این ماه های حرام، حرمت کعبه، هم سو بودن مبانی اسلام با صلح و دوستی، برقراری امنیت و وحدت جهانی که از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده است، جنگ و خونریزی در این ماه ها را حرام کرده تا مردم به کسب و تجارت، تجدید قوا و... بپردازند.

در قرآن کریم آمده است که:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يَقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه، ۳۶)

(یقیناً شماره ماه ها در پیشگاه خدا از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده در کتاب علم خدا، دوازده ماه است؛ از آن ها چهار ماهش ماه حرام است؛ این است حساب استوار و پایدار؛ پس در این چهار ماه با جنگ و فتنه و خونریزی بر خود ستم روا مدارید و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیزکاران است.)

علامه طباطبائی در ذیل این آیه، چهار ماه را تفسیر به ذی القعدة و ذی الحجه و محرم و رجب کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۳۵۶/۹) و نیز حضرت آیت الله مکارم در ذیل این آیه می فرمایند: این تحریم جنگ از زمان حضرت ابراهیم بوده و عرب جاهلیت بر طبق میل خود گاهی جای آن ها را عوض می کردند؛ ولی اسلام این چهار

ماه، شامل ذی‌القعدة و ذی‌الحجه و محرم و رجب را مقرر و تثبیت کرد. (مکارم، ۱۳۵۳: ۴۰۶/۷)

اسلام در این ایام جرم را تغلیظ نموده، تا افراد بر آن پایبند باشند و به راحتی نقض نگردد و علاوه بر این با توجه به اینکه جنگ تعطیل می‌شد، نفس راه‌اندازی جنگ نیاز به مقدمه و محرک داشت و بنابراین همین سبب می‌شد تا جنگ‌ها کم شود.

سؤال: اگر کسی، شخصی را به طور خطایی بکشد (در فعل و قصد خطا کار باشد) باز هم باید در مورد او در ماه‌های حرام دیه تغلیظ شود؟

پاسخ: در این زمینه میان فقها اختلاف است که باید مورد بررسی قرار گیرد.
اقوال در مسئله:

۱. قول شهر: دیه در این ماه‌ها تغلیظ می‌شود و برخی تغلیظ در محدوده حرم را نیز اضافه کرده‌اند. (خویی، ۱۹۷۴: ۲۴۷/۴۲)

۲. قول غیرشهر: تغلیظ دیه در قتل خطایی، حکمی بدون دلیل است؛ بنابراین تغلیظ تنها در قتل عمدی است.

۲- ادله قول غیرشهر

روایات باب تغلیظ دیه در قتل خطایی چندین محذور دارد؛ بنابراین شامل قتل خطایی نمی‌شود. اینک به بیان آن مشکلات پرداخته می‌شود:

۱. روایات باب تغلیظ دیه در قتل خطایی با وجود سهل بن زیاد، ضعیف‌السند است. (خویی، ۱۴۱۸: ۹۴/۲؛ نراقی، ۱۴۱۴: ۵۰۹/۱۰)

۲. کسی از علما در باب تغلیظ دیه، به این گونه روایات استدلال نکرده است. (حیدری، ۱۳۷۸: ۹ تا ۱۸)

۳. در برخی از این روایات آمده است که: قاتل باید در ایام عید و تشریق روزه بگیرد؛ در حالی که علما فرموده‌اند: روزه گرفتن در این ایام حرام است. (نراقی، ۱۴۱۴: ۵۰۹/۱۰)

۴. اگرچه برخی در این روایات قتل را به صورت مطلق ذکر کرده‌اند؛ اما در جرم باید ارکان و عناصر آن محقق باشد و یکی از عناصر جرم قصد و اراده است که در قتل خطایی محض، این عنصر منتفی است؛ پس جرم محسوب نمی‌شود؛ چه برسد که دیه آن، تغلیظ و تشدید شود. (مکی، ۱۴۲۴: ۳۹۹/۴؛ حلی، ۱۴۱۸: ۲۹۲/۲)

۵. روایاتی وجود دارد که تنها علاوه بر دیه، روزه گرفتن را ذکر کرده‌اند؛ اما سخنی از تشدید ثلث دیه در آن‌ها به بیان نیامده است. از جمله روایت زیر:

«عن زراره قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: قتل الرجل فی شهر حرام صام متتابعین من اشهر الحرم». (کلینی، ۱۳۵۰: ۱۳۹/۴)

از زراره روایت شده که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: کشتن مرد در ماه حرام موجب دو ماه روزه می‌شود.

امام در این روایت فرمودند که دیه باید تغلیظ گردد.

۶. در حدیثی آمده است که: انما الاعمال بالنیات. (همانا اعمال به نیت‌ها است) (طوسی، ۱۳۶۵: ۸۳/۱) حال در قتل خطا که قاتل قصد قتل را نداشته است، از شارع بعید است که مجازات قتل عمد را برای خاطی لحاظ نماید، بلکه باید بین قتل عمد و خطا فرق بگذارد. علاوه بر آنکه اگر برای حفظ هتک حرمت است، ارتباطی به اولیای دم ندارد که دیه را بیشتر بگیرند. (حیدری، ۱۳۷۸: ۹ تا ۱۸)

۳- نقد کلام مخالف تغلیظ دیه

پاسخ اشکال اول: به نظر می‌رسد روایاتی که ضعیف دانسته شد؛ صحیح‌السند است و این روایات در کتب اربعه آمده است، بنابراین به ذکر روایات و سلسله سند آن می‌پردازیم.

«عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام رَجُلٌ قَتَلَ رَجُلًا فِي الْحَرَمِ قَالَ عَلَيْهِ دِيَةٌ وَ ثُلُثٌ وَ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ

مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَيَعْتَقُ رَقَبَةً وَيَطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِينًا قَالَ قُلْتُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ قَالَ وَ مَا يَدْخُلُ قُلْتُ الْعِيدَانِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُهُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لَزِمُهُ^۱

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ تَغْلَظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ عَلَيْهِ عَتَقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ قُلْتُ فَإِنَّهُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ فَقَالَ مَا هُوَ قُلْتُ يَوْمُ الْعِيدِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ»^۲

محقق اردبیلی از این روایات تعبیر به صحیح کرده و بر طبق آن فتوا داده است. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۱۵/۵) آیت الله خوئی نیز بعد از ذکر روایات ادعای اجماع بر صحت کرده است. (خوئی، ۱۹۷۴: ۲۴۷/۴۲)

سخن شما صرف ادعا است و نیاز به اثبات دارد.

پاسخ اشکال دوم و سوم: اینکه فرمودید هیچ فقیهی به این روایات استناد نکرده، خلاف استناد شیخ طوسی است؛ چراکه ایشان طبق این روایات فتوای به عدم حرمت روزه در ایام عید و تشویق داده است. (طوسی، ۱۴۱۷: ۴۱۰/۱)

پاسخ اشکال چهارم: وقتی کلامی به صورت مطلق صادر می شود به این معنا است که همه موارد را شامل است و در محل بحث حاضر شارع به هیچ وجه حاضر به تمسک و بی حرمتی نیست.

علاوه بر اینکه شما فکر کردید که قتل آن است که عناصر جرم در آن باشد با اینکه خداوند به قتل خطایی نیز قتل گفته است.

پس چه در قالب قتل عمد باشد یا در قالب قبل خطایی، خصوصاً که شارع قتل خطایی را نیز قتل نامیده است و آیه زیر دلالت بر همین مطلب دارد:

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: امامی ثقه؛ (رجال نجاشی، ۳۴۴) ابراهیم بن هاشم: امامی ثقه؛ (رجال نجاشی، ۱۶) ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ: امامی ثقه صحیح المذهب؛ (رجال طوسی، ۳۶۵) أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ: امامی ثقه. (رجال کشی، ۴۵)
۲. سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ: ثقه امامی؛ (رجال طوسی، ۱۴۱۵: ۳۸۷) الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ: امامی ثقه؛ (رجال طوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴) عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ: امامی ثقه. (فهرست شیخ طوسی، ۳۶۳)

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾
(نساء، ۹۲)

(هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند و خون بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید مگر آنکه آنان خون بها را ببخشند و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شمایند و خود او مؤمن است، فقط آزاد کردن یک برده مؤمن بر عهده قاتل است و اگر مقتول مؤمن، از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون بهایش را به وارثان او پرداخت کند و نیز یک برده مؤمن آزاد نماید و کسی که برده نیافت، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد؛ این حکم به سبب پذیرش توبه قاتل از سوی خداست و خدا همواره دانا و حکیم است.)
پاسخ اشکال پنجم: با استفاده از روایاتی که بیان شد، اطلاق این روایت را تقیید می‌زنیم. (خوئی، ۱۹۷۴: ۲۴۹/۴۲)

پاسخ اشکال ششم: با توجه به اینکه ملاک حکم ذکر شده حفظ حریم است؛ بنابراین دیگر فرقی بین قتل عمد و خطا نخواهد بود.

۴- قول مختار

نگارنده بر این باور است که همان قول مشهور صحیح است و تغلیظ دیه صورت می‌گیرد، مطلقاً؛ چه قتل عمدی باشد و چه خطایی، چه عالماً به حکم و موضوع باشد یا جاهلاً. (در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی به آن تصریح شده است و ماده ۵۵۷ قانون مجازات اسلامی تصریح دارد که این تغلیظ فقط در مورد قتل است و جرح را شامل نمی‌شود.)

۴-۱- ادله و شواهد قول مختار

دلیل اول: روایات صحیح‌های وجود دارد مبنی بر اینکه ماه‌های حرام اگر قتل خطایی باشد دیه تغلیظ می‌شود؛ از جمله صحیح‌ه زراره از امام باقر (علیه السلام):

«عدة من اصحابنا عن سهيل بن زياد عن حسن بن محبوب عن علي بن ائاب عن زراره عن ابي جعفر (عليه السلام) قال سألته عن الرجل قتل رجلاً خطأ في الشهر حرام قال تغلظ عليه الدية و عليه عتق او صيام شهرين متتابعين من اشهر الحرم قلت فانه يدخل في هذا شي فقال ذو ما هو قلت يوم العيد و ايام التشريق قال يصوم فانه حق لزمه.» (کلینی، ۱۳۵۰: ۱۴۰/۴)

(از امام باقر (علیه السلام) از مردی که مرد دیگری را به قتل خطایی کشته است، سؤال شد؛ امام فرمودند: بر او دیه تغلیظ می‌شود و باید علاوه بر آن بنده آزاد کند و یا شصت روز روزه بگیرد. راوی گوید: به امام عرض کردم: وجود روزه در این ایام مشکلی را ایجاد نمی‌کند؟ ایشان فرمودند: روزه بگیرد؛ چون این حق است که بر او لازم گردیده است.) (خوئی، ۱۹۷۴: ۲۰۲/۲)

دلیل دوم: اطلاق در روایات نیز دلیل بر قول مختار است به این بیان که: تغلیظ دیه در ماه‌های حرام برای مطلق قتل است و مقید به قتل عمد و شبه عمد و خطا نشده است؛ پس به حکم چنین اطلاقی در همه موارد تغلیظ دیه صورت می‌گیرد؛ از جمله

این روایات، صحیح‌ه ذیل است:

«کلیب اسدی کلینی عن علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن کَلیب الأَسَدی قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُقْتَلُ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ مَا دِيَّتُهُ قَالَ دِيَّةٌ وَ ثَلْثٌ» (کلینی، ۱۳۵۰: ۲۸۱/۷)

دلیل سوم: ادعای اجماعی است که برخی علما در این تغلیظ دیه دارند. (ر.ک. نجفی) قابل ذکر است که همین تغلیظ دیه در فتوای برخی از فقهای معاصر نیز دیده می‌شود.

با توجه به فلسفه و ادله ذکر شده و نیز روایاتی که در حکم قتل در حرم (مکه معظمه) وارد شده است، می‌توان تغلیظ دیه را در قتلی که در حرم اتفاق می‌افتد، ثابت کرد. از جمله این روایات، صحیح‌ه زراره از امام باقر علیه السلام است. از ایشان نسبت به کسی که در حرم کشته شده، سؤال شد که حضرت علیه السلام فرمودند:

«علیه الدیه و ثلث و علیه عتق او صیام شهرین متتابعین من اشهر الحرم قلت فانه یدخل فی هذا شی فقال ذو ما هو قلت یوم العید و ایام التشریق قال یصوم فانه حق لزمه.» (شیخ حر، ۱۴۱۳: ۳۸۰/۱۰)

(دیه و ثلث بدهد و باید یک بنده آزاد کند یا شصت روز روزه پی‌درپی بگیرد. عرض کردم: وجود روزه در این ایام مشکلی را ایجاد نمی‌کند؟ فرمودند: روزه بگیرد چون این حقی است که بر او لازم گردیده است.)

البته برخی از فقها مثل آیت‌الله خوئی در مورد حرم، تغلیظ را قبول ندارند و می‌فرمایند: اگرچه اکثر فقها بر تغلیظ دیه در ماه‌های حرام در محدوده حرم فتوا داده‌اند؛ اما این قول تام نیست؛ چون اولاً ما فقهای داریم که مخالفت کرده‌اند، ثانیاً در سند روایتی که جهت تغلیظ دیه در حرم به آن استناد شد، ابن‌ابی‌عمیر است که امکان ندارد ایشان از ابان بن تغلب بدون واسطه روایت کند؛ چون ابان در زمان امام صادق علیه السلام فوت کرد و ابن‌ابی‌عمیر امام علیه السلام را درک نکرد و بنابراین بین ابن‌ابی‌عمیر

و ابان، رواتی بوده‌اند که حذف شده‌اند و بنابراین روایت مرسله می‌شود. ثالثاً به قرینه «یصوم شهرین الخ» فهمیده می‌شود که این کفار قاتل در ماه حرام است نه کفار قتل در حرم، نهایتاً حدیث می‌شود مجمل و بنابراین نمی‌شود استدلال کرد. (خوئی، ۱۹۷۴: ۲/۲۰۴)

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، آنچه از این نوشتار حاصل می‌شود، وجود دو قول مخالف یکدیگر در مسئله است که قول اول به دلیل عدم وجود دلیلی محکم و نیز خدشه‌ای که به روایات تغلیظ دیه وارد است (۶ اشکال در این حکم در روایات بیان کرده‌اند) تمام نیست و تغلیظ دیه در قتل خطایی (در ماه‌های حرام) قبول نشد. قول دوم در مسئله که قول مشهور بین فقها هم شمرده می‌شود با تمسک به روایات صحیح‌السند و نیز اطلاق موجود در آن‌ها که در تغلیظ دیه فرقی بین قتل عمد و خطایی نمی‌گذارند، تمام است، از طرفی نقد ۶ اشکال ذکر شده در قول مخالف که بر روایات تغلیظ گرفته شده بود، تغلیظ دیه را در قتل خطایی نیز اثبات می‌کند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. انیس، ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۸، *المعجم الوسیط*، چ ۸، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح الارشاد والاذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، *حقوق جزای عمومی*، چ ۲۹، تهران: میزان.
۴. حر عاملی، محمد، ۱۴۱۳، *تفصیل وسائل الشیعه*، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵. حلی، ابوالقاسم جعفر، ۱۴۱۸، *المختصر النافع فی فقه الامامیه*، چ ۶، قم: مؤسسه مطبوعات الدینیه.
۶. حیدری، عباس علی، ۱۳۷۸، «نقد و تحلیل فقهی بر تغلیظ دیه در ماه‌های حرام»، *فقه*، ش ۱۵، ص ۱۸-۹.
۷. خمینی، روح الله، ۱۳۸۰، *تحریر الوسیله*، چ ۸، قم: دارالعلم.
۸. خوئی، ابوالقاسم، ۱۹۷۴، *مبانی تکملة المنهاج*، نجف الاشرف: مطبعة الآداب.
۹. —————، ۱۴۱۸، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: تحت اشراف آقای لطفی.
۱۰. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۸، *المیزان*، چ ۱۱، قم: اسلامی.
۱۲. طوسی، محمدحسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۱۳. —————، ۱۴۱۷، *النهایه ونکتهها*، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. —————، ۱۴۱۵، *رجال الطوسی*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
۱۵. عاملی، زین الدین، ۱۴۱۳، *مسالك الافهام الى تنقیح شرایع الاسلام*، قم.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۵۰، *الکافی*، قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۷. فراهیدی، خلیل، ۱۴۱۴، *العين*، قم: اسوه.
۱۸. مکارم، ناصر، ۱۳۵۳، *تفسیر نمونه*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مکی، محمد، ۱۴۲۴، *الروضة البهیمة فی شرح المعنة الدمشقیة*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲۰. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۵، *قانون مجازات اسلامی*، تهران: دیدار.
۲۱. نجفی، محمدحسن، ۱۹۱۸، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۷، بیروت: دارالاحیاء.
۲۲. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۴، *المستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت.